

Investigating the Impact of the Aggressive Reporting Approach on the Relationship between Managers' Competence and Audit Fees

Mohsen Rashidi^{1*}, Meysam Noshadi², Maedeh Soumi³

1. Associate Prof. in accounting, Faculty of Management and Economic, Lorestan University, Iran rashidi.m@lu.ac.ir
2. Assistant Prof. in accounting, Jahrom University, Iran mnoshadi@jahromu.ac.ir
3. MSc. in accounting, Faculty of Management and Economic, Lorestan University, Iran maedehsoumi92@gmail.com

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 2024-10-03 Revised: 2025-03-21 Accepted: 2025-04-13 * Corresponding author: Dr. Mohsen Rashidi Associate Prof. in accounting, Faculty of Management and Economic, Lorestan University, Iran Email: rashidi.m@lu.ac.ir	Competent managers can strategically alter financial operations to achieve organizational or personal goals. This study investigates the impact of an aggressive reporting approach on the relationship between manager competence and audit fees. Data from 102 companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2016 to 2023 were analyzed using a panel data regression approach. According to the findings, manager competence leads to an increase in audit fees among the studied companies. In other words, auditors increase audit fees to mitigate audit risk. Manager competence is an important source of internal motivation and indicates that competent managers are more inclined to implement high-risk projects, increasing audit effort.

1. Introduction

Competent managers can strategically alter financial operations to achieve organizational or personal goals. This study investigates the impact of an aggressive reporting approach on the relationship between

manager competence and audit fees. The competence of managers can lead to excessive reliance on managers and increase audit risk. The aggressive reporting approach can shift benefits from shareholders to managers. Therefore, managers' personal interests, combined with their competence, can increase the likelihood of distorting financial reporting. However, the professional skepticism of auditors regarding the conflict of interest between shareholders and managers increases the scope of audit procedures, potentially increasing audit fees. Audit risk assessment standards focus on risks from managerial accounting incompetence but overlook those from managerial accounting competence. Moreover, while risk assessment standards incorporate the fraud triangle, over-reliance on these standards may lead to misjudgment of risk factors.

2. Hypotheses

This study investigates the impact of an aggressive reporting approach on the relationship between manager competence and audit fees. The research hypotheses are as follows:

H1: Manager competence significantly affects audit fees.

H2: An aggressive reporting approach significantly affects audit fees.

H3: An aggressive reporting approach significantly moderates the relationship between manager competence and audit fees.

3. Methodology

This applied research adopts a descriptive-correlational approach, with findings relevant to investors' decision-making. Data were collected using library methods. Compact discs, visual and statistical archives of the Tehran Stock Exchange, the official website of the Tehran Stock Exchange, and other related online databases were utilized. Data from 102 companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2016 to 2023 were analyzed using a panel regression model to test the hypotheses.

4. Results

The results indicate that manager competence has a significant effect on audit fees. The aggressive reporting approach does not have a significant effect on audit fees. However, the aggressive reporting

approach has a significant moderating effect on the relationship between manager competence and audit fees. Based on the findings, manager competence increases audit risk, prompting auditors to increase effort and fees to maintain acceptable risk levels. In other words, to mitigate opportunistic reporting and audit risk, auditors increase audit fees. Unlike prior research focusing on managerial efficiency, this study measures manager competence through prior audit experience and ability, examining its multifaceted impact.

5. Conclusion

The first research hypothesis, that manager competence has a significant effect on audit fees, was supported. The results are consistent with the findings of Gal et al. (2018). Manager competence is an important source of internal motivation and indicates that competent managers are more inclined to implement high-risk projects, increasing the likelihood of financial misreporting. In this regard, managers with auditing experience have a higher ability to distort reports and financial information for personal benefits.

The second research hypothesis, that an aggressive reporting approach has a significant effect on audit fees, was not supported. To pursue personal benefits, managers may engage in aggressive financial reporting, but internal control systems prevent accrual manipulation to achieve desired profits. In other words, the simultaneous presence of motivation, aggressive attitude, and accounting competence must be constrained to prevent financial statement distortions. The results are consistent with the findings of Haribar, Kim, Wilson, and Yang (2012). The third research hypothesis, that an aggressive reporting approach moderates the relationship between manager competence and audit fees, was supported. The results of previous studies indicate that auditors increase audit fees for companies with a high risk of earnings manipulation (Bedard and Johnston, 2004). When auditors identify a high risk of misreporting, the expectation of higher audit fees increases. The fraud triangle, including motivation (rewards), conditions (previous audit experience), and opportunity, leads to an increase in audit risk and fees. The results are consistent with the findings of Kallekar and Khan (2016).

Keywords: Audit fees, manager competence, aggressive reporting approach, audit risk.



بررسی تاثیر رویکرد گزارشگری جسورانه بر ارتباط بین شایستگی

مدیران و حق الزحمه حسابرسی

دکتر محسن رشیدی^{۱*}، دکتر میثم نوشادی^۲، مائده صومی^۳

چکیده: مدیران توانمند امکان برنامه‌ریزی و تغییر عملیات مالی شرکت در راستای دستیابی به اهداف خود را دارند. هدف از این پژوهش بررسی تاثیر رویکرد گزارشگری جسورانه بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق الزحمه حسابرسی است. به منظور بررسی داده‌های ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از رویکرد رگرسیونی داده‌های ترکیبی، در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ استفاده گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش شایستگی مدیران منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی در بین شرکت‌های مورد مطالعه می‌گردد. به عبارتی، حسابرسان در راستای کنترل نیز کنترل ریسک عدم کشف، حق الزحمه حسابرسی درخواستی را افزایش می‌دهند. شایستگی مدیران منبع بااهمیتی از انگیزه‌های درونی بوده و بیانگر این است که مدیران توانمند تمایل بیشتری به اجرای پروژه‌های با ریسک بالا دارند که در نتیجه آن، حجم و تلاش حسابرسی افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، شایستگی مدیران، رویکرد گزارشگری جسورانه.

۱. مقدمه

خصوصیات و توانایی‌های فردی مدیر از جمله سطح دانش و تجربه مالی می‌تواند منجر به تغییر دیدگاه سهامداران و حسابرسان نسبت به عملکرد وی شود و شرایط برای تغییر گزارشگری مالی را فراهم آورد (لی، سان و اترج^۱، ۲۰۱۰). حسابرسان توانایی مدیریت را در تصمیمات حسابرسی خود

۱. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

rashidi.m@lu.ac.ir

mnoshadi@jahromu.ac.ir

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه جهرم، شیراز، ایران.

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

maedehsoumi92@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۴

اصلاحات نهایی: ۱۴۰۴/۱/۱

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۲

مدنظر قرار می‌دهند (کانان^۲ و همکاران، ۲۰۱۴) مدیریت منبع مهم اطلاعاتی حساب‌برسان است، احتمال حساب‌برسان هنگام ارزیابی قابلیت اتکای شواهد تهیه شده توسط مدیریت، صلاحیت و شایستگی او را مدنظر قرار می‌دهند. به علاوه، تجارب متفاوت با صاحبکاران و مدیران مختلف، حساب‌برسان را قادر به ارزیابی صحیح کیفیت مدیریت صاحبکار می‌سازد که انتظار می‌رود حساب‌برسان این ویژگی‌های مدیریت صاحبکار را در اظهارنظر حسابرسی خود درآمیزند (امری و همکاران، ۱۳۹۹). توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، بویژه در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت دارد (آیر، کمپریکس، گانلاک و لی^۳، ۲۰۰۵؛ آندرو^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). هدف از این پژوهش بررسی شایستگی مدیران و تأثیر آن بر حق‌الزحمه حسابرسی است. شایستگی مدیر را می‌توان تجربیات قبلی مدیرانی که به عنوان مدیر یا شرکای حسابرسی فعالیت می‌کردند، در نظر گرفت.

با توجه به اینکه بخش متغیر حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از ریسک شرکت و انتظارات از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بوده و تغییرات در این رفتار منجر به تغییر قیمت پیشنهادی موسسات حسابرسی می‌گردد، بررسی شایستگی مدیران (به عنوان یکی از جنبه‌های توانایی مدیران) منجر به بهبود شناخت موسسات حسابرسی نسبت به عملکرد و کنش‌های مدیران شده و امکان قیمت‌گذاری نادرست خدمات حسابرسی و تحمیل هزینه به موسسات را کاهش می‌دهد چرا که بر مبنای پژوهش رشیدی و حاجی‌زاده (۱۴۰۳) افزایش رقابت در بخش خدمات حسابرسی منجر به افزایش نیاز برای قیمت‌گذاری بهینه خدمات حسابرسی شده است. ارائه قیمت‌های غیراستاندارد می‌تواند منجر به کاهش سهم بازار موسسات شده و هزینه ثابت آنها را افزایش دهد. از طرفی، دعاوی مطرح شده علیه حساب‌برسان در ارتباط با برخی شرکت‌ها (از جمله کنتورسازی)، لزوم دقت در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی بر مبنای شایستگی مدیران را بااهمیت‌تر نموده است.

بر اساس دیدگاه مثلث تقلب تصمیم اولیه مدیران برای ارائه گزارش‌های اشتباه، به انگیزه، فرصت و نحوه برخورد و نگرش آنها بستگی دارد. شایستگی مدیران به عنوان عاملی با اهمیت در شناخت استانداردهای حسابرسی در نظر گرفته می‌شود که بیانگر توانایی مدیریت در نادیده گرفتن کنترل‌های داخلی به عنوان فرصتی برای تحریف در گزارش‌های مالی است (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۵). شایستگی مدیران به تنهایی منجر به تحریف و ارائه نادرست اطلاعات نمی‌گردد؛ زیرا امکان دارد توانایی ارائه گزارش‌های مالی قابل اطمینان را فراهم کند و دلیلی وجود ندارد که از مدیران توانمند نسبت به مدیرانی که فاقد این خصوصیت هستند انتظار تغییر در ارائه صادقانه را داشته باشیم. در مقابل، این انتظار وجود دارد که شایستگی مدیران با سایر عوامل خطر تقلب از جمله انگیزه در تعامل باشد و باعث افزایش خطر مربوط به تحریف و سوء استفاده مالی شود (آلبریچت، مائولدین و نیوتن^۵، ۲۰۱۸). انگیزه‌های مبتنی بر پاداش به دلیل

تمایل مدیران به جلوگیری از کاهش حقوق و مزایا، حفظ امنیت شغلی، یا خدشه دار شدن حسن شهرت باعث تحریف و ارائه نادرست می‌شود (دایکولی، مایو و نانداء، ۲۰۱۴). توانایی مدیران همراه با انگیزه‌های مبتنی بر پاداش، خطر تحریف و ارائه نادرست را افزایش می‌دهد زیرا فرصتی برای ایجاد انگیزه فراهم می‌کند (بویل، دیزورت و هرمنسون^۷، ۲۰۱۵).

توانایی مدیران و بروز رفتارهایی که این توانایی را تشدید نماید، می‌تواند منجر به اتکای بیش از حد به مدیران و افزایش احتمال ریسک عدم کشف توسط حسابرس شود (برگستر و فیلیپسون^۸، ۲۰۰۶). رویکرد گزارشگری جسورانه، می‌تواند منجر به تغییر جریان منافع از سهامداران به سمت مدیران شود. بنابراین، منافع شخصی مدیران در کنار توانایی‌های آنها می‌تواند شرایط برای تحریف گزارشگری مالی را افزایش دهد. با این حال، تردید حرفه‌ای حسابرسان نسبت به تضاد منافع سهامداران و مدیران، باعث افزایش سطح رسیدگی‌های حسابرس می‌شود که به صورت بالقوه منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد (بنکر، داروق، هوانگ و پلن دوجوویچ^۹، ۲۰۱۳).

استانداردهای ارزیابی ریسک حسابرسی متمرکز بر ریسک‌های مرتبط با عدم شایستگی مدیران است، اما ریسک‌های مرتبط با شایستگی مدیران را تشخیص نمی‌دهد. افزون بر این، استانداردهای ارزیابی ریسک، عناصر مثلث تقلب را به عنوان بخشی از ارزیابی ریسک در نظر می‌گیرند. با این حال، ممکن است اتکای صرف به این استاندارد منجر به ارزیابی نادرست حسابرسان از هر سه عامل ریسک شود. در صورتی که حسابرسان سابقه حرفه‌ای مشترک خود را با مدیرانی که زمانی به عنوان شریک یا مدیر سابق آنها بوده‌اند، مطرح نمایند، احتمال عدم حسابرسی مبتنی بر ریسک افزایش می‌یابد. در صورت ایجاد انگیزه‌های مبتنی بر پاداش، تجربه مشترک باعث کاهش شک و تردید حسابرسان نسبت به صداقت و عملکرد مدیران شده و در عین حال فرصتی برای ایجاد انگیزه گزارشگری جسورانه (در جهت منافع شخصی) فراهم می‌شود. انگیزه‌های مبتنی بر پاداش (که به عملکرد شرکت بستگی دارد) و عدم توانایی حسابرس در کشف یا تعدیل هر گونه تحریفی که رخ می‌دهد، انگیزه لازم را برای دستکاری گزارش‌های سود به منظور افزایش منافع دریافتی، فراهم می‌کند. به عبارتی، زمانی که احتمال کشف و تعدیل تحریف‌ها کم ارزیابی شود، مدیران اقدام به دستکاری صورت‌های مالی می‌کنند. شایستگی لزوماً به تنهایی نباید منجر به تحریف گردد و تنها زمانی جنبه‌های منفی بالقوه صحیح حسابداری قابل مشاهده است که با سایر عوامل ایجادکننده ریسک، ترکیب گردد (آلبریچت و همکاران، ۲۰۱۸).

پژوهش‌های صورت گرفته توسط آزاد و همکاران (۱۴۰۲) و یاری و همکاران (۱۴۰۱) متمرکز بر اثر توانایی‌های مدیریت بر گزارش حسابرس و هزینه‌های واقعی تولید است و جنبه منفی شایستگی مدیران در قالب سابقه حسابرسی مدنظر قرار نگرفته است. هر قدر مدیران در حسابرسی با تجربه‌تر باشند، توانایی بالاتری در کشف تحریفات دارند. از طرفی کنترل داخلی مانع از دستکاری و تحریف

توسط مدیران می‌شود. شناسایی گزارش‌های مالی جسورانه شرکت‌ها و بررسی این موضوع که آیا ویژگی‌های شرکت، به ارائه گزارش‌های مالی جسورانه توسط مدیریت منجر می‌شود یا خیر، اهمیت خاصی دارد. شایستگی مدیران در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، مبتنی بر کارایی و عملکرد مدیر بوده است ولی در این پژوهش سابقه و توانایی حسابرسی قبلی مدیر به عنوان معیاری برای شایستگی لحاظ شده است تا بتوان از جنبه‌های مختلف اثر آن را بررسی نمود. موضوع دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، رویکرد گزارشگری برگرفته از توانمندی مدیران است. به عبارت دیگر، شایستگی مدیران، بر ملاحظات مربوط به تغییر رویکرد گزارشگری موثر است. در شرایطی که توانایی بالای مدیریت با ایجاد فرصت و انگیزه دستیابی به منافع شخصی، منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی و یا کاهش کیفیت حسابرسی (در نتیجه اعتماد حسابرسان به مدیران) شود، ارزیابی و کنترل ریسک حسابرسی با محدودیت مواجه می‌شود. از این رو سوالات اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

- (۱) آیا شایستگی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی موثر است؟
 - (۲) آیا رویکرد گزارشگری جسورانه بر حق‌الزحمه حسابرسی موثر است؟
 - (۳) آیا رویکرد جسورانه گزارشگری مالی تاثیر معناداری بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی موثر است؟
- در ادامه پژوهش ابتدا، مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده، فرضیه‌ها و سپس، مدل‌ها و روش‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. شایستگی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی

مسئولیت اصلی مدیران ارشد شرکت تنظیم سیاست‌های کلان و راهبردی است که همراه با انگیزه و توانایی نفوذ در تصمیم‌گیری‌های حسابداری است (چنگ، لی و شولین^{۱۰}، ۲۰۱۶) و در همین راستا، احتمال تحریف نتایج و عملکرد شرکت وجود دارد که منجر به افزایش احتمال نیاز به تعدیل گزارش توسط حسابرس می‌گردد (سان کوئیست و وایت^{۱۱}، ۲۰۱۵). تحریف می‌تواند ناشی از تقلب یا اشتباه باشد ولی با توجه اینکه انگیزه مدیریت قابل مشاهده نیست و شرکت‌ها نیز به بیان انگیزه‌های خود نمی‌پردازند، توان تشخیص تفاوت بین این دو مشکل است (هنس، لئون و میلر^{۱۲}، ۲۰۰۸). مثلث تقلب، مبتنی بر سه ضلع شرایط یا رویدادهایی که نشان‌دهنده عناصر تقلب است، انگیزه یا وجود فشار برای انجام تقلب و وجود فرصت برای انجام تقلب یا نگرشی که عمل تقلب را توجیه می‌کند، می‌باشد (براون^{۱۳}، ۲۰۱۴).

تصمیم اولیه مدیران در تلاش برای انجام تقلب، به ترکیبی از عوامل انگیزه، فرصت و نگرش بستگی دارد (ترامپتر، کارپنتر، جونز، و رایلی، ۲۰۱۴). در عمل، هر یک از این عوامل به صورت مستمر رخ می‌دهند و برای تحریف نیازی به حضور همزمان هر سه عنصر نیست. به عبارتی، اگر انگیزه و فرصت به اندازه کافی بالا باشد، حتی اگر نگرش پایین باشد، مدیران می‌توانند اقدام به تحریف صورت‌های مالی نمایند. شایستگی مدیران به عنوان حالتی از فرصت به شمار می‌رود. به این معنی که شایستگی مدیریت در نادیده گرفتن کنترل‌های داخلی را می‌توان به عنوان فرصتی برای سوءاستفاده از گزارش‌های مالی مدنظر قرار داد. تجربه قبلی در زمینه حسابرسی در مقام یک مدیر یا شریک منجر به افزایش دانش و تجربه حسابرسی و شناخت نسبت به کنترل‌های داخلی در نتیجه تعامل با صاحبکاران متعدد در طول زمان شده که در نتیجه آن چگونگی کشف یا پنهان‌سازی انحرافات در صورت‌های مالی و تجزیه و تحلیل نتایج گزارش‌های مالی حاصل می‌شود.

مدیران توانمند به دلیل داشتن تجربیاتی در حوزه حسابرسی به عنوان مدیر یا شریک، مهارت‌های بیشتری در انجام و پنهان کردن تحریف دارند (لو، لی و سوگیانیس^{۱۴}، ۲۰۱۰). گزارش‌های نادرست مالی اغلب توسط افراد باهوش، باتجربه، خلاق و با درک دقیقی از کنترل‌ها و نقاط ضعف شرکت تهیه می‌شود. به علاوه، مدیران توانمند، تجربه گسترده‌ای در مورد نحوه تجزیه و تحلیل نتایج گزارش‌های مالی از دیدگاه حسابرس و مدیریت دارند، در نتیجه، این دسته از مدیران توانایی بالایی در درست جلوه دادن صورت‌های مالی دارای تحریف دارند (وولف و هرمانسون^{۱۵}، ۲۰۰۴). به همین علت، حسابرسان به منظور اطمینان از دستیابی به گزارش بهینه و کاهش ریسک دعاوی حقوقی در آینده، اقدام به افزایش دامنه رسیدگی‌های و بکارگیری نیروهای متخصص در تیم رسیدگی‌کننده می‌نمایند که منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴). در همین راستا، گال، چن و تسای^{۱۶} (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که انگیزه‌های مالی مدیران منجر به افزایش احتمال تحریف صورت‌های مالی می‌شود که در نتیجه آن ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد و حسابرسان در نتیجه افزایش تلاش خود، حق الزحمه‌ی بیشتری را برآورد می‌کنند.

فرضیه اول: شایستگی مدیران بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

۲-۲. رویکرد جسورانه در گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی

نگرش جسورانه مبتنی بر فرآیندی فکری است که به موجب آن مدیریت خود را متقاعد می‌کند که علی‌رغم خطر کشف تحریف در صورت‌های مالی، رویه‌های ریسکی را اجرا نماید (وولف و هرمانسون، ۲۰۰۴). اگرچه شناسایی شایستگی مدیریت در توجیه تحریف و ارائه نادرست کار دشواری است، اما فرهنگ و محیط حاکم بر شرکت می‌تواند نشانه‌هایی مبنی بر رویکرد مدیریت و پتانسیل لازم برای توجیه را در اختیار حسابرس قرار دهد (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام،

۲۰۱۵). به طور خاص، استانداردها نشان می‌دهند که رویکرد و عملکرد مدیریت در جریان گزارش‌های مالی به چه شکلی است. مطابق با افزایش خطر تحریف اطلاعات، سابقه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری با احتمال تقلب آتی و ارائه مجدد صورت‌های مالی همراه است (اترج و همکاران، ۲۰۱۰). به عبارتی، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان رویکردی برای ارایه گزارش‌های جسورانه استفاده می‌شود. زمانی که انگیزه‌های مبتنی بر پاداش و شایستگی مدیران با یکدیگر ترکیب شود، امکان تحریف را افزایش می‌دهد. از طرفی، حسابرسان نسبت به افزایش پاداش مدیران در نتیجه مدیریت سود آگاهی دارند (نلسون و تراپلی، الیوت^{۱۷}، ۲۰۰۲). به این ترتیب، حسابرسان احتمالاً خطر تحریف و ارائه نادرست اطلاعات را از گزارش نسبتاً جسورانه دوره قبل تشخیص داده و شک خود و احتمال کشف را افزایش می‌دهند (جوونز، کریشنان، و ملنדרز^{۱۸}، ۲۰۰۸).

با الزامی شدن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و پیچیدگی‌های مطرح شده در این راستا، رویکرد گزارشگری جسورانه ممکن است منجر به ابهام در گزارشگری شود که می‌تواند منجر به عدم توافق در گزارش برخی معاملات تجاری شود. برخی از اختلافات بین حسابرس و شرکت ممکن است از طریق مذاکره حل شود (نلسون و دیگران، ۲۰۰۲). در برخی موارد دیگر، حتی اگر اختلاف نظر حسابرس و شرکت حل نشود، حسابرسان ممکن است این اختلافات را نامطلوب تلقی نکنند. با این حال، زمانی که صاحبکاران ریسک تحریف با اهمیت بالایی دارند، حسابرسان به احتمال کمتری از مواضع آنها حمایت می‌کنند و حق‌الزحمه حسابرسی را به منظور پوشش ریسک مربوطه افزایش می‌دهند. در حالی که شرکت‌ها تمایل به گزارشگری جسورانه دارند، حسابرس معمولاً انتخاب‌های حسابداری محافظه‌کارانه را به عنوان محافظت در برابر دعاوی قضایی آینده و آسیب‌های احتمالی ناشی از گزارشگری جسورانه ترجیح می‌دهد. به عبارتی، بر مبنای تئوری‌های پاداش و نمایندگی، توانایی مدیران در تغییر گزارشگری مالی می‌تواند با حضور رویکرد جسورانه گزارشگری مالی منجر به تشدید جنبه منفی شایستگی مدیر شده و حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش دهد. فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) نشان دادند که حسابرسان آستانه خود را برای صدور گزارش‌های حسابرسی تعدیل شده به عنوان راهی برای محافظت از خود در برابر شکست حسابرسی کاهش می‌دهد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که رویکرد گزارشگری جسورانه را در پیش می‌گیرند، حسابرسان ریسک شکست را بالاتر ارزیابی کرده و درخواست حق‌الزحمه بالاتری می‌نمایند.

فرضیه دوم: رویکرد جسورانه گزارشگری مالی تاثیر معناداری بر ارتباط بین شایستگی مدیران

و حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از پیچیدگی‌ها، محدودیت‌های مالی و ریسک‌های مرتبط با صاحبکار است که با توجه به رویکرد مدیران صاحبکار نسبت به ریسک صورت‌های مالی، تغییر می‌کند. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که ساختارهای منسجم هیئت مدیره همراه با

سازوکارهای منظم جلساتی می‌تواند انگیزه مدیران برای دستکاری اطلاعات حسابداری و پنهان کردن هزینه‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. همچنین، حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از تداوم انتخاب موسسه حسابرسی و شناخت وی نسبت به وضعیت مالی و عملکرد شرکت است. زیان شرکت در کنار نوسانات محیطی، به سادگی منجر به سرمایه‌گذاری غیرکارا و تغییر در انگیزه‌های ریسک‌پذیری مدیران می‌شود. در نهایت، اندازه و ارزش منجر به افزایش توان تامین منابع مالی در شرکت شده و شرایط را برای ککاهش ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی فراهم می‌سازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۱۳۹۵ به بعد در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. جامعه آماری با اعمال محدودیت‌هایی که آن هم به واسطه‌ای انقطاع زمانی مشخص برای انجام آزمون و استخراج داده‌ها است، محدود می‌شود. به عبارت دیگر، نمونه آماری شامل جامعه آماری است که با محدودیت‌های زیر، تعدیل می‌شوند، با در نظر گرفتن معیارهای زیر تعداد ۱۰۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شده اند:

نگاره ۱: روش انتخاب نمونه آماری پژوهش

ردیف	شرح	تعداد شرکت
۱	تعداد سال-شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۴۰۲	۳۷۹۲
۲	تعداد سال-شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، لیزینگ، بانک‌ها و بیمه	۵۵۲
۳	عدم تطابق پایان دوره مالی آنها با پایان اسفند ماه	۶۸۸
۴	تعداد سال-شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش در بورس بیش از ۳ ماه فعال نبودند.	۸۸۸
۵	تعداد سال-شرکت‌هایی که به علت عدم دسترسی به اطلاعات حذف شدند	۸۴۸
۶	تعداد کل سال-شرکت‌هایی که حذف شدند	۲۹۷۶
۷	تعداد سال-شرکت‌های نهایی	۸۱۶

۴. مدل پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر رویکرد گزارشگری جسورانه بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق

الزحمه حسابرسي است. بدین منظور از مدل‌های زیر بر اساس پژوهش چو، کان و کریشنان (۲۰۲۱) برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است:

مدل (۱)

$$\begin{aligned} \ln Fee_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 M_Ability_{it} + \alpha_2 B_Size_{it} + \alpha_3 B_Meet_{it} + \alpha_4 ROA_{it} \\ & + \alpha_5 Weak_IC_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 InvRec_{it} + \alpha_8 Liquid_{it} \\ & + \alpha_9 Loss_{it} + \alpha_{10} MTB_{it} + \alpha_{11} Leverage_{it} + \alpha_{12} Return_{it} \\ & + \alpha_{13} Big_{it} + \alpha_{14} VIX_{it} + \alpha_{15} Size_{it} + \alpha_{16} Tenure_{it} \\ & + \alpha_{17} B_Ind_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

مدل (۲)

$$\begin{aligned} \ln Fee_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 M_Ability_{it} + \alpha_2 Attitude_{it} + \alpha_3 M_Ability * Attitude_{it} \\ & + \alpha_4 B_Meet_{it} + \alpha_5 VIX_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 InvRec_{it} \\ & + \alpha_8 Liquid_{it} + \alpha_9 Loss_{it} + \alpha_{10} MTB_{it} + \alpha_{11} Leverage_{it} \\ & + \alpha_{12} Return_{it} + \alpha_{13} Big_{it} + \alpha_{14} ROA_{it} + \alpha_{15} Size_{it} \\ & + \alpha_{16} Tenure_{it} + \alpha_{17} B_Size_{it} + \alpha_{18} B_Ind_{it} \\ & + \alpha_{19} Weak_IC_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در مدل‌های مذکور:

ROA؛ رويکرد جسورانه؛ Attitude؛ حق الزحمه حسابرسي؛ M_Ability؛ شايستگي مديران؛ LnFee؛ حق الزحمه حسابرسي؛ InvRec؛ نسبت دارايي جاري؛ Liquid؛ نسبت آني؛ بازده دارايي؛ CFO؛ جريان وجه نقد عملياتي؛ MTB؛ ارزش بازار به دفتری؛ Leverage؛ اهرم مالی؛ Return؛ بازده سهام؛ Big؛ اندازه موسسه حسابرسي؛ Size؛ اندازه شرکت؛ Tenure؛ دوره تصدی مدیرعامل؛ Weak_IC؛ ضعف کنترل‌های داخلی؛ VIX؛ عدم اطمینان محیطی؛ B_MEET؛ تعداد جلسات هیئت مدیره؛ B_IND؛ استقلال هیئت مدیره و B_SIZE؛ اندازه هیئت مدیره است.

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسي: از لگاریتم طبیعی حق الزحمه‌های حسابرسي به دست می‌آید که از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بخش هزینه‌های اداری تشکیلاتی به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل

شايستگي مديران: متغیری مجازی است که اگر مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره دارای تجربه حسابرسي قبلی تحت عنوان شریک، مدیر یا سرپرست در یک موسسه حسابرسي باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

رویکرد گزارشگری جسورانه: برای اندازه‌گیری گزارشگری مالی جسورانه مدیران، از گزارش‌های مالی سال‌های قبل استفاده می‌شود. بر مبنای مدل جونز تعدیل شده اگر اقلام تعهدی طی ۲ سال روند افزایشی داشته باشد و مدیرعامل تغییر نکرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد (آلبریچت، مائولدین و نیوتن، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

بازده دارایی‌ها: از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید (واعظ، رمضان‌احمدی و رشیدی، ۱۳۹۳).

جریان وجوه نقد عملیاتی: عبارت است از جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت بوده که مستخرج از صورت جریان وجوه نقد است (گال و همکاران، ۲۰۱۸).

نسبت آنی: برابر با نسبت دارایی‌های جاری پس از کسر موجودی کالا به مجموع بدهی‌های شرکت است (گال و همکاران، ۲۰۱۸).

نسبت جاری: برابر با نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری است (کانان، اسکانز و هیگز، ۲۰۱۴).

زیان شرکت: اگر نتیجه عملیات شرکت در سال جاری زیان باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد (کانان، اسکانز و هیگز، ۲۰۱۴).

ارزش بازار به ارزش دفتری: از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود (خواجوی، ویسی‌حصار و غیوری‌مقدم، ۱۴۰۳).

اهرم مالی: برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت است (خواجوی، ویسی‌حصار و غیوری‌مقدم، ۱۴۰۳).

بازده سهام: عبارت است از تغییر قیمت سهام در سال جاری نسبت به سال قبل که سود نقدی نیز به آن اضافه می‌شود (کانان، اسکانز و هیگز، ۲۰۱۴).

اندازه حسابرِس: اگر حسابرسی توسط سازمان حسابرسی صورت پذیرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد (واعظ، رمضان‌احمدی و رشیدی، ۱۳۹۳).

دوره تصدی حسابرِس: تعداد سال‌های است که حسابرِس مسئولیت حسابرسی صاحبکار را به عهده دارد (واعظ، رمضان‌احمدی و رشیدی، ۱۳۹۳).

اندازه شرکت: برابر با لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت است (انواری‌رستمی و کیانی، ۱۳۹۴).

ضعف کنترل‌های داخلی: متغیری مجازی است که اگر شرکت در سال مورد رسیدگی دارای ضعف کنترل‌های داخلی بر مبنای گزارش حسابرِس مستقل (به علت عدم وجود دستورالعمل صدور

گزارش کنترل‌های داخلی در سال‌های پیشین) یا گزارش کنترل‌های داخلی باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد (چن و کانگ^{۱۲}، ۲۰۱۸).

استقلال هیئت مدیره: برابر با نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت است.

اندازه هیئت مدیره: برابر با تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت است (کانان، اسکانز و هیگز، ۲۰۱۴).

تعداد جلسات هیئت مدیره: برابر با تعداد جلسات برگزار شده هیئت مدیره در طول یک سال است.

عدم اطمینان محیطی: برای سنجش عدم اطمینان محیطی از انحراف معیار تغییرات درآمد فروش طی یک دوره ۳ ساله استفاده می‌شود. استفاده از انحراف استاندارد برای اندازه‌گیری عدم اطمینان محیطی توسط محققانی از جمله رشیدی (۲۰۲۲) مطرح و بکار گرفته شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در نگاره زیر برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
شایستگی مدیران	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
حق‌الزحمه حسابرسی	۲۰/۵۸۳	۲۰/۶۱۵	۰/۷۹۰	۲۲/۸۲۲	۱۸/۹۵۱
رویکرد گزارشگری جسورانه	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی	۰/۱۴۹	۰/۰۵۷	۰/۳۱۸	۱/۹۵۵	-۰/۷۳۲
جریان نقد عملیاتی	۰/۲۲۲	۰/۱۹۱	۰/۲۵۲	۰/۹۶۰	-۰/۷۲۴
نسبت جاری	۱/۲۷۴	۱/۲۷۹	۰/۵۰۷	۲/۶۱۵	۰/۴۲۳
نسبت آنی	۰/۷۷۰	۰/۷۱۹	۰/۰۸۴	۱/۷۹۹	۰/۰۸۴
زیان شرکت	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	۱/۳۵۴	۱/۴۵۹	۰/۷۸۵	۲/۹۸۸	-۰/۳۹۰
اهرم مالی	۰/۶۱۱	۰/۶۱۱	۰/۲۴۷	۱/۷۲۳	۰/۰۱۳
بازده سهام	۰/۱۱۲	۰/۰۷۹	۰/۳۱۲	۰/۹۸۸	-۰/۹۴۶
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
دوره تصدی حسابرس	۳/۳۸۰	۳/۰۰۰	۲/۷۸۸	۱۴/۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه شرکت	۶/۰۵۳	۶/۰۷۵	۰/۵۶۸	۸/۳۸۸	۴/۶۹۷
ضعف کنترل‌های داخلی	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۸۷	۰/۸۰۰	۰/۱۷۸	۰/۴۰۰	۱/۰۰۰
اندازه هیئت مدیره	۵/۱۵۸	۵/۰۰۰	۰/۴۵۲	۷/۰۰۰	۵/۰۰۰
تعداد جلسات هیئت مدیره	۱۵/۱۳۳	۱۳/۰۰۰	۲/۸۶۶	۲۴/۰۰۰	۵/۰۰۰
عدم اطمینان محیطی	۰/۱۵۶	۰/۰۷۹	۰/۱۸۳	۰/۹۴۸	۰/۰۰۲

میانگین شایستگی مدیران نشان می‌دهد که بیش از ۲۳ درصد از مدیران شرکت دارای تجربه حسابرسی در سمت شریک، مدیر یا سرپرست حسابرسی هستند. میانگین متغیر رویکرد گزارشگری جسورانه ۰/۲۲ بوده که نشان دهنده افزایش اقلام تعهدی در سال‌های متوالی در بین شرکت‌ها است. میانگین بازده دارایی ۰/۱۴۹ بوده و نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰ ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها تقریباً ۱۵ ریال بازدهی ایجاد شده است. میانگین ۳/۱۴۷ برای بخش‌های تجاری بیانگر محدود بودن تعداد بخش‌های تجاری در شرکت‌ها است. میانگین نسبت جاری و آبی به ترتیب برابر با ۱/۲۷۴ و ۰/۷۷ است که بیانگر رویکرد محافظه‌کارانه در نگهداشت دارایی‌های قابل تبدیل به نقد به منظور ایفای تعهدات آتی است. میانگین متغیر زیان شرکت ۰/۲۴ بوده که نشان‌دهنده زیان‌ده بودن بخش محدودی از شرکت‌های مورد بررسی است که با توجه به بازده ۱۱ درصدی سهام قابل توجیه است. ارزش میانگین ۱/۳۵۴ برای نسبت ارزش بازار به دفتری نشان دهنده فرصت‌های رشد برای شرکت‌ها مورد مطالعه است. میانگین اهرم مالی برابر با ۰/۶۱ است که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از مصارف شرکت از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. میانگین متغیر اندازه موسسه حسابرسی بیانگر بکارگیری سازمان حسابرسی توسط ۲۱ درصد از شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین ۳/۳۸۰ برای دوره تصدی حسابرس نشان‌دهنده محدود بودن تداوم انتخاب موسسات حسابرسی است. میانگین متغیرهای اندازه شرکت و ضعف کنترل‌های داخلی به ترتیب برابر با ۶/۰۵۳ و ۰/۲۱ بوده که بیانگر بالا بودن نسبی ضعف‌های کنترلی در بین شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین اندازه هیئت مدیره و نسبت اعضای غیرموظف به ترتیب برابر با ۵/۱۵۸ و ۰/۶۸۷ می‌باشد و بیانگر این است که بخش عمده‌ای از شرکت‌های مورد مطالعه دارای هیات مدیره مستقل هستند. میانگین متغیر تاخیر در گزارش حسابرس نشان‌دهنده فاصله ۴۷ روزه بین پایان سال مالی و تاریخ ارائه گزارش حسابرسی است. میانگین ۱۵ درصدی عدم اطمینان محیطی بیانگر عدم ثبات در روند فروش شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. با مقایسه میانگین و میانه متغیرها می‌توان

گفت که ارزش بخش عمده‌ای از میانگین‌ها، بزرگ‌تر از میانها است که نشان‌دهنده انحراف منطقی در توزیع هر متغیر است.

قبل از برآزش مدل‌ها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل بالا انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل پژوهش در نگاره (3) نشان داده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۷/۴۴۳	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
مدل ۲	۶/۹۷۸	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیه H_0 ، لازم است برای انتخاب از بین مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره ۴ نشان داده شده است.

نگاره ۴: نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۴۹/۳۰۵	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
مدل ۲	۵۰/۴۰۳	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

همانطور که در نگاره (۳) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد نشدن فرضیه H_0 برای مدل پژوهش بوده، در نتیجه مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت ارجح است. بنابراین، برای تخمین مدل پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است.

در پژوهش حاضر، از آزمون وولدریج و بروش‌پاگان به ترتیب جهت تشخیص خود همبستگی مدل و ناهمسانی واریانس استفاده شده است. اگر مقدار آماره‌ی وولدریج و بروش‌پاگان بزرگتر از ۵ درصد باشد، استقلال جمله‌ی خطای مدل می‌تواند پذیرفته شود و ناهمسانی واریانس وجود ندارد. همچنین، آماره آزمون همخطی (VIF) بیانگر عدم وجود همخطی شدید (کوچکتر از ۵) بین متغیرهای مورد بررسی است. (۵) نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره ۵: نتایج حاصل از برآورد مدل ۱ تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	VIF
شایستگی مدیر	۰/۶۳۹	۳/۹۳۱	۰/۰۰۰	۱/۰۸
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۰۱۹	-۰/۳۷۵	۰/۷۰۷	۱/۱۳
استقلال هیئت مدیره	۰/۱۶۷	۰/۷۲۸	۰/۴۶۶	۱/۰۳
اندازه هیئت مدیره	۰/۱۷۹	۱/۷۰۰	۰/۰۹۰	۱/۰۴
جریان نقد عملیاتی	-۰/۲۲۰	-۱/۸۷۳	۰/۰۶۲	۱/۱۶
ضعف کنترل های داخلی	-۰/۱۱۳	-۰/۹۴۵	۰/۳۴۵	۱/۱۹
نسبت جاری	۰/۰۵۱	۴/۳۳۳	۰/۰۰۰	۱/۳۲
اهرم مالی	۰/۰۷۲	۵/۶۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۴
زیان شرکت	۰/۰۱۲	۴/۲۱۹	۰/۰۰۰	۱/۱۱
تعداد جلسات هیئت مدیره	-۰/۰۱۶	-۲/۰۵۸	۰/۰۴۰	۱/۰۲
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۳۸	-۰/۸۶۰	۰/۳۹۰	۱/۱۴
نسبت آنی	-۰/۱۸۵	-۰/۹۷۸	۰/۳۲۸	۱/۳۰
بازده سهام	۰/۱۵۹	۲/۱۶۱	۰/۰۳۱	۱/۲۶
بازده دارایی	۰/۱۶۳	۱/۶۹۴	۰/۰۹۱	۱/۰۹
اندازه شرکت	۰/۴۱۳	۲/۲۴۳	۰/۰۲۵	۱/۰۵
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۰۵	-۴/۳۵۴	۰/۰۰۰	۱/۴۱
عدم اطمینان محیطی	۰/۱۳۵	۰/۶۹۰	۰/۴۹۰	۱/۲۳
جز ثابت	۱۷/۸۲۸	۱۳/۰۹۵	۰/۰۰۰	-
ضریب تعیین	۰/۶۹۱۳			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۶۷۱			
آماره وولدریج	(۰/۴۴۸۷) ۰/۵۰۶۹			
آزمون ناهمسانی	(۰/۳۱۰۲) ۰/۷۹۱۷			
آماره F	۲۸/۶۱۷۴			
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰			

بر اساس مدل (۱)، فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که شایستگی مدیران تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد، با توجه به اینکه کوچکتر از ۵ درصد (آماره t ۲/۹۵۴۴) می باشد، رد نشده است. بنابراین، با افزایش شایستگی مدیران، حق الزحمه حسابرسی نیز افزایش می یابد.

بر اساس نتایج تخمین مدل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش معنادار است. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره‌ی وولدریج می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش مشکل خود همبستگی ندارد.

نگاره ۶: نتایج حاصل از برآورد مدل ۲ تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	VIF
شایستگی مدیر (A)	۰/۲۴۸	۱/۷۳۷	۰/۰۸۳	۱/۰۸
رویکرد جسورانه گزارشگری (B)	۰/۰۱۸	۰/۴۲۷	۰/۶۶۹	۱/۱۰
A*B	۰/۲۲۴	۲/۰۳۵	۰/۰۴۲	-
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۰۲۷	-۰/۴۸۶	۰/۶۲۶	۱/۱۳
استقلال هیئت مدیره	۰/۱۷۰	۱/۰۶۰	۰/۲۸۹	۱/۰۳
اندازه هیئت مدیره	۰/۲۷۰	۴/۲۸۰	۰/۰۰۰	۱/۱۴
جریان نقد عملیاتی	-۰/۱۴۸	-۱/۳۸۴	۰/۱۶۷	۱/۳۰
ضعف کنترل‌های داخلی	-۰/۰۹۷	-۱/۰۱۲	۰/۳۱۲	۱/۲۶
نسبت جاری	-۰/۱۴۵	-۱/۱۴۳	۰/۲۵۴	۱/۰۹
اهرم مالی	۰/۲۳۸	۲/۹۶۱	۰/۰۰۳	۱/۰۵
زبان شرکت	۰/۰۹۴	۱/۷۱۶	۰/۰۸۹	۱/۴۱
تعداد جلسات هیئت مدیره	-۰/۰۰۶	-۱/۷۳۰	۰/۰۸۴	۱/۲۳
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۳۵	-۰/۸۱۵	۰/۴۱۵	۱/۰۴
نسبت آنی	۰/۲۲۰	۱/۳۸۹	۰/۱۶۶	۱/۱۶
بازده سهام	۰/۱۶۴	۲/۰۹۵	۰/۰۳۷	۱/۱۹
بازده دارایی	۰/۲۱۷	۲/۲۹۰	۰/۰۲۲	۱/۳۲
اندازه شرکت	۱/۵۱۳	۸/۵۰۹	۰/۰۰۰	۱/۰۴
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۳۰	-۲/۸۱۹	۰/۰۰۵	۱/۱۱
عدم اطمینان محیطی	۰/۱۴۸	۱/۲۷۸	۰/۲۰۲	۱/۰۲
جز ثابت	۹/۹۵۰	۷/۵۵۶	۰/۰۰۰	-
ضریب تعیین	۰/۷۸۵۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۶۶			
آماره وولدریج	(۰/۳۹۱۲) ۰/۶۲۱۵			
آزمون ناهمسانی	(۰/۲۲۱۷) ۰/۹۸۲۱			

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	VIF
آماره F	۱۳/۲۴۲۱			
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰			

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که رویکرد گزارشگری جسورانه تاثیر معناداری بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق الزحمه حسابرسی دارد، رد نشده است. همان طور که مشاهده می شود آماره t برابر ۲/۰۳۵ است که بیانگر رد نشدن فرضیه دوم در سطح خطای ۵ درصد می باشد. با توجه به متغیرهای کنترلی، ضریب اندازه موسسه حسابرسی، ارزش بازار به دفتری و استقلال هیئت مدیره تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی ندارد. همچنین، نتایج نشان می دهد که تعداد جلسات و اندازه هیئت مدیره تاثیر معناداری بر تغییر حق الزحمه حسابرسی دارد. به عبارتی، جلسات منظم هیئت مدیره منجر به افزایش اعتماد حسابرسان نسبت به عملکرد مدیران می گردد. ضعف کنترل های داخلی فاقد تاثیر معنادار بوده و در مقابل، دوره تصدی حسابرس منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی شده است. به عبارتی، با شناختی که موسسات حسابرسی از صاحبکاران در طول دوران حسابرسی کسب می کنند، حجم عملیات با توجه به شناخت گلوگاه ها کاهش یافته که منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی نیز می گردد. افزایش متغیرهای اهرم مالی و زیان شرکت نیز بیانگر ریسک شرکت بوده که تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارند. در نهایت، به نظر می رسد که انگیزه های مبتنی بر بازار مانند بازده شرکت، شهرت و خطرات دعوی قضایی، موسسات حسابرسی را از کم کاری برای حفظ مشتریان باز می دارد.

بر اساس نتایج تخمین مدل ها، می توان نتیجه گرفت که مدل های پژوهش معنادار است. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره و وولدریج و بروش پاگان می توان نتیجه گرفت که مدل های پژوهش مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس ندارد.

استحکام نتایج

در بررسی فرضیه دوم پژوهش از اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای گزارشگری جسورانه استفاده گردید. در این بخش به منظور کنترل خطاهای ناشی از اندازه گیری از معیار بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) و هیگینز و همکاران (۲۰۱۵) و به شرح نگاره زیر استفاده شده است:

نگاره ۷: معیارهای اندازه گیری گزارشگری شرکت

ردیف	شرح
۱	درصد تغییر در فروش کل

نسبت هزینه عمومی، اداری و فروش به فروش کل	۲
نسبت تعداد کارکنان به فروش کل	۳
انحراف معیار تعداد کارکنان در سال	۴

شاخص‌های عنوان شده برای هر سال کوانتیل‌بندی شده و بر اساس کوانتیل مربوطه به شرکت‌ها امتیاز ۱ تا ۵ داده می‌شود. حداکثر نمره استراتژی که هر شرکت می‌تواند کسب نماید ۲۰ و حداقل نمره استراتژی یک شرکت ۴ است. بر این اساس شرکت‌هایی با امتیاز بالاتر از ۱۷ دارای استراتژی جسورانه بوده و عدد یک و سایر شرکت‌ها عدد صفر می‌پذیرند

نگاره ۸: نتایج حاصل از برآورد تحلیل حساسیت

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری
شایستگی مدیر (A)	۰/۰۰۱	۲/۱۲۳	۰/۰۳۴
رویکرد جسورانه گزارشگری (B)	۰/۰۰۲	۲/۱۴۴	۰/۰۳۲
A*B	۰/۰۲۳	۲/۵۶۱	۰/۰۱۰
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۱۸۹	-۰/۴۳۳	۰/۶۶۴
استقلال هیئت مدیره	۰/۲۵۶	۰/۹۴۹	۰/۳۴۲
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۰۵	-۲/۳۸۳	۰/۰۱۷
جریان نقد عملیاتی	-۰/۲۹۴	-۰/۹۰۲	۰/۳۶۶
ضعف کنترل‌های داخلی	-۰/۳۰۱	-۰/۱۶۴	۰/۸۶۹
نسبت جاری	۰/۰۱۵	۱/۵۶۶	۰/۱۱۷
اهرم مالی	۰/۵۱۱	۲/۵۹۲	۰/۰۰۹
زیان شرکت	-۰/۳۳۸	-۲/۲۹۳	۰/۰۲۲
تعداد جلسات هیئت مدیره	-۰/۰۰۷	-۲/۹۱۶	۰/۰۰۳
ارزش بازار به دفتری	-۰/۱۹۰	-۰/۸۰۱	۰/۴۲۲
نسبت آبی	-۰/۰۱۲	-۱/۳۰۴	۰/۱۹۲
بازده سهام	۰/۶۸۷	۱/۷۲۰	۰/۰۸۵
بازده دارایی	۰/۰۹۸	۲/۵۴۱	۰/۰۱۱
اندازه شرکت	۰/۱۰۳	۰/۳۰۱	۰/۷۶۳
دوره تصدی حسابرس	۰/۴۴۷	۱/۷۶۱	۰/۰۷۸
عدم اطمینان محیطی	۰/۲۴۳	۰/۱۱۶	۰/۹۰۷

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری
جز ثابت	۰/۰۰۸	۲/۰۱۳	۰/۰۴۴
ضریب تعیین		۰/۴۸۷	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۵۳	
آزمون دوربین واتسن		۱/۹۱۷	
آماره F		۱۲/۹۹۴	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰	

همانطور که مشاهده می‌شود، تحلیل حساسیت صورت گرفته مبنی بر تاثیر معنادار رویکرد گزارشگری جسورانه بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق الزحمه حسابرسی، دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد بوده (۰/۰۱۰) و بنابراین، می‌توان ابراز داشت که رویکرد گزارشگری جسورانه بر مبنای روش اندازه‌گیری مبتنی بر استراتژی جسورانه نیز تاثیر معناداری بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق الزحمه حسابرسی دارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، تاثیر رویکرد گزارشگری جسورانه بر ارتباط بین شایستگی مدیران و حق الزحمه حسابرسی، مورد مطالعه قرار گرفته است.

فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که شایستگی مدیران تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد، تایید شده است. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش گال و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۸) همخوانی دارد. شایستگی مدیران منبعی بااهمیت از انگیزه‌های درونی بوده و بیانگر این است که مدیران توانمند تمایل بیشتری به اجرای پروژه‌های با ریسک بالا دارند که احتمال بالقوه تحریف را افزایش می‌دهد. در همین راستا، مدیران دارای تجربه حسابرسی، توانایی بالاتری در تحریف گزارش‌ها و اطلاعات مالی در راستای کسب منافع شخصی دارند.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که رویکرد جسورانه گزارشگری مالی، تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد، رد شده است. مدیران در راستای تامین منافع شخصی ممکن است گزارشگری مالی جسورانه‌تری داشته و در این راستا، سیستم کنترل داخلی مانع از اقدام در جهت تحریف اقلام تعهدی در جهت دستیابی به سود پیش‌بینی شده نمایند. به عبارتی، وجود همزمان سه عامل انگیزه، نگرش جسورانه و شایستگی مدیران، برای تغییر و تحریف در صورت‌های مالی محدود باشد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های هریبار، کیم، ویلسون و یانگ^{۲۳} (۲۰۱۲) تطابق دارد.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که رویکرد جسورانه گزارشگری مالی، منجر به تغییر رابطه بین شایستگی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود، تایید شده است. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که حساب‌رسان برای صاحبکارانی که ریسک دستکاری سود بالایی دارند، نرخ صورت‌حساب را افزایش می‌دهند (بدارد و جانستون^{۲۴}، ۲۰۰۴). زمانی که حساب‌رسان ریسک بالایی را برای تحریف اطلاعات تشخیص دهند، انتظار افزایش حق‌الزحمه حسابرسی نیز بیشتر می‌شود. وجود مثلث تقلب شامل انگیزه (دریافت پاداش)، شرایط (تجربه قبلی حسابرسی) و فرصت منجر به افزایش ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش کالکار و خان^{۲۵} (۲۰۱۶) تطابق دارد.

پیشنهاد می‌شود که هیات مدیره با توجه به وجود جنبه منفی توانایی و شایستگی مدیران، نسبت به اعمال رویکردهای محافظه‌کارانه اقدام نماید تا بخشی از ریسک‌پذیری مدیران کنترل و سطح حق‌الزحمه حسابرسی به سطح استاندارد نزدیک‌تر گردد. به عبارتی، کنترل و جهت دادن به شایستگی مدیران در راستای اتخاذ تصمیمات بهینه منجر به افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. با توجه به اینکه نتایج نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از توانایی مدیران است، پیشنهاد می‌شود موسسات حسابرسی در برنامه‌ریزی ریسک و ارزیابی صاحبکاران، جنبه منفی سوابق و شایستگی مدیران را نیز در الگوهای قیمت‌گذاری لحاظ کنند. به منظور تکمیل نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود در آینده به بررسی اثر تعاملی ساختار مالکیت و شایستگی مدیران بر تحریف در صورت‌های مالی پرداخته شود و به منظور شناخت رفتارهای عملکردی مدیران در بلند مدت به بررسی تفاوت‌های ناشی از شایستگی پرداخته شود. در پژوهش حاضر بخش عمده‌ای از شرکت‌های بورسی، حق‌الزحمه حسابرسی را در یادداشت‌های توضیحی افشا نموده‌اند که منجر به سوگیری انتخاب نمونه می‌شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|---------------------------------|
| 1. Li, Sun and Ettredge | 2. Kannan |
| 3. Aier, Comprix, Gunlock and Lee | 4. Andreou |
| 5. Albrecht, Mauldin, and Newton | 6. Dikolli, Mayew and Nanda |
| 7. Boyle, DeZoort and Hermanson | 8. Bergstresser and Philippon |
| 9. Banker, Darrough, Huang and Plehn-Dujowich | |
| 10. Cheng, Lee and Shevlin | 11. Swanquist and Whited |
| 12. Hennes, Leone and Miller | 13. Brown |
| 14. Lev, Li, and Sougiannis | 15. Wolfe and Hermanson |
| 16. Gul, Chen and Tsui | 17. Nelson, Elliott and Tarpley |
| 18. Jones, Krishnan and Melendrez | 19. Chen and Keung |

20. Kothari, Laguerre and Leone
 21. Dichev and Tang
 22. Gul et al
 23. Hribar, Kim, Wilson and Yang
 24. Bedard and Johnstone
 25. Kalelkar and Khan

منابع

الف. فارسی

- انواری رستمی، علی اصغر و کیانی، آیدین. (۱۳۹۴). بررسی نقش عدم اطمینان محیطی در رفتار هزینه‌ها؛ شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*. ۷(۲). ص ۳۳-۵۷.
- امری، امید؛ شورورزی، محمدرضا؛ مسیح آبادی، ابوالقاسم و مهرآذین، علیرضا. (۱۴۰۰). نقش ویژگی‌های مدیریت بر نوع اظهار نظر حسابرسی و روابط حسابرسی و صاحبکار. *مجله دانش حسابرسی*. ۲۱(۸۳). ۲۴۶-۲۶۶.
- خواجوی، شکرالله و قدیریان‌آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۷). توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی. *مجله دانش حسابداری*. ۹(۱)، ۳۵-۶۱.
- خواجوی، شکرالله؛ ویسی حصار، ثریا و غیوری مقدم، علی. (۱۴۰۳). نقش تعدیل‌کنندگی سرمایه‌گذاران نهادی و رقابت در بازار محصول بر اثر خوانایی گزارش‌های مالی بر هزینه سرمایه. *پیشرفت‌های حسابداری*. ۱۶(۱)، ۱-۲۵.
- رشیدی، محسن؛ شیخی، مریم؛ نمازی، نویدرضا و سرلک؛ زینب. (۱۴۰۲). بررسی تجدیدارائه صورت-های مالی بر مبنای پاداش مازاد و صلاحیت مدیران. *مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*. ۱۲(۲۳)، ۱۴۵-۱۷۲.
- رضازاده، جواد و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۶(۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- سجادی، سید حسین؛ رشیدی باغی، محسن؛ ابوبکری، عبدالرحمن و شیرعلی زاده، محسن. (۱۳۹۴). رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت مدیره. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*. ۵(۱)، ۵۸-۳۹.
- واعظ، سیدعلی؛ رمضان احمدی، محمد و رشیدی، محسن. (۱۳۹۳). تاثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های بورسی. *دانش حسابداری مالی*. ۱۱(۱)، ۸۷-۱۰۷.

ب. انگلیسی

- Aier, J. K., J. Comprix, M. T. Gunlock, & D. Lee. 2005. The financial expertise of CFOs and accounting restatements. *Accounting Horizons*. 19 (3), 123–135.
- Albrecht, A., Maletta, M. J., & Newton, N. J. (2018). Do auditors recognize the potential dark side of executives' accounting competence? *The Accounting Review*, 93(6), 1–28. <https://doi.org/10.2308/accr-52087>
- Amri, O., Shurvarzi, M.R., Masihabadi, A., & Mehrazin, A.R. (2021). The role of management characteristics on the type of audit opinion and auditor-employer relationships. *Journal of Auditing Knowledge*. 21(83), 246-266 . (in Persian)
- Andreou, P. C., Ehrlich, D., & Louca, C. (2013). Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis (Working Paper). University of Technology, Department of Commerce, Finance and Shipping, Cyprus.
- Anvari Rostami, A., & Kiani, A. (2016). Investigating the role of demand uncertainty in cost behavior: Evidences from Tehran Stock Exchange firms, *Journal of Accounting Advances*, 7(2), 33-57. (in Persian)
- Armstrong, C. S., Larcker, D. F., Ormazabal, G., & Taylor, D. J. (2013). The relation between equity incentives and misreporting: The role of risk-taking incentives. *Journal of Financial Economics*, 109(2), 327–350. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2013.03.003>
- Azad, A., Lari Dashtbayaz, M., Hadian, S. S., & Bagheri, M. (2023). The relationship between residual audit fees and real operating cash flow and real Production expenditure smoothing. *Professional Auditing Research*, 4(13), 156-174. (in Persian)
- Banker, R. D., M. N. Darrough, R. Huang, & J. M. Plehn-Dujowich. 2013. The relation between CEO compensation and past performance. *The Accounting Review*, 88 (1): 1–30.
- Bedard JC, & KM, (2004), Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions, *The Accounting Review*, 79(2):277–304.
- Bergstresser, D., & T. Philippon. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 80: 511–529.
- Boyle, D. M., F. T. DeZoort, & Hermanson. D. R. (2015). The effect of alternative fraud model use on auditors' fraud risk judgments. *Journal of Accounting & Public Policy*, 34 (6): 578–596.
- Brown, T. J. (2014). Advantageous comparison and rationalization of earnings management. *Journal of Accounting Research*, 52 (4): 849– 876.

- Chen, G. & Keung, E. C. (2018). Corporate diversification, institutional investors and internal control quality. *Journal of Accounting & Finance*, 58: 751-786.
- Cheng, Q., J. Lee, & T. Shevlin. (2016). Internal governance and real earnings management. *The Accounting Review*, 91 (4): 1051–1085.
- Cho, M., Kwon, S. Y., & Krishnan, G. V. (2021). Audit fee lowballing: Determinants, recovery, and future audit quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40(4), 106787.
- Core, J. E., R. W. Holthausen, & Larcker D. F. (1999). Corporate governance, chief executive officer compensation, and firm performance. *Journal of Financial Economics*, 51 (3): 371–406.
- Custodio, C., & Metzger, D. (2014). Financial expert CEOs: CEO's work experience and firm's financial policies. *Journal of Financial Economics*, 114 (1): 125–154.
- Demerjian, P., Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7): 1229-1248.
- Dichev, I. D., & Tang, V. W. (2009). Earnings volatility and earnings predictability. *Journal of Accounting & Economics*, 47 (1), 160-181.
- Dikolli, S. S., W. J. Mayew, & Nanda. D. (2014). CEO tenure and the performance-turnover relation. *Review of Accounting Studies*, 19 (1): 281–327.
- Engel, E.M, Hayes, R.M, & Wang, X, (2010), Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process, *Journal of Accounting & Economics*, this issue, doi: 10.1016/j.jacceco.2009.08.001.
- Ettredge, M., S. Scholz, K. R. Smith, & L. Sun. (2010). How do restatements begin? Evidence of earnings management preceding restated financial reports. *Journal of Business Finance & Accounting*, 37 (3/4): 332–355.
- Fargher, N., A. Jiang, & Yu, Y. (2014). How do auditors perceive CEO's risk-taking incentives? *Accounting & Finance*, 54 (4): 1157– 1181.
- Gul, F. A., Chen, C. J. P., & Tsui, J. S. L. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441–464. <https://doi.org/10.1506/686K-4VVF-Y4VL-0K3Y>
- Gul, F. A., Khedmati, M., Lim, E. K. Y., & Navissi, F. (2018). Managerial ability, financial distress, and audit fees. *Accounting Horizons*, 32(1), 29–51. <https://doi.org/10.2308/acch-51969>
- Harris, J., & Bromiley, P. (2007). Incentives to cheat: The influence of executive compensation and firm performance on financial misrepresentation.

- Organization Science*, 18(3), 350–367. <https://doi.org/10.1287/orsc.1060.0241>
- Hennes, K. M., Leone, A. J., & Miller, B. P. (2008). The importance of distinguishing errors from irregularities in restatement research: The case of restatements and CEO/CFO turnover. *The Accounting Review*, 83(6), 1487–1519. <https://doi.org/10.2308/accr.2008.83.6.1487>
- Hribar, P., Kim, J., Wilson, R., & Yang, H. (2012). Counterparty responses to managerial overconfidence (Working paper). University of Iowa & University of Pennsylvania.
- Jiang, J., Petroni, K., & Wang, I. (2009). CFOs and CEOs: Who has the most influence on earnings management? *Journal of Financial Economics*, 96(3), 513–526. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2009.04.005>
- Jones, K. L., Krishnan, G. V., & Melendrez, K. D. (2008). Do models of discretionary accruals detect actual cases of fraudulent and restated earnings? An empirical analysis. *Contemporary Accounting Research*, 25(2), 499–531. <https://doi.org/10.1506/car.25.2.8>
- Kalelkar, R., & Khan, S. (2016). CEO financial background and audit pricing. *Accounting Horizons*, 30(3), 325–339. <https://doi.org/10.2308/acch-51467>
- Kannan, Y. H., Skantz, T. R., & Higgs, J. L. (2014). The impact of CEO and CFO equity incentives on audit scope and perceived risks as revealed through audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 111–139. <https://doi.org/10.2308/ajpt-50602>
- Khajavi, S., & Ghadirian Arani, M. (2018). Managerial ability, financial performance and bankruptcy risk. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(1), 35–61. (In Persian)
- Khajavi, S., Weysihasar, S., & Ghayouri Moghaddam, A. (2024). The moderating role of institutional investors and product market competition on the effect of readability of financial reports on the cost of capital. *Journal of Accounting Advances*, 16(1), 1–25. (In Persian)
- Kim, Y., Li, H., & Li, S. (2015). CEO equity incentives and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 608–638. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12082>
- Kothari, S. P., Laguerre, T. E., & Leone, A. J. (2002). Capitalization versus expensing: Evidence on the uncertainty of future earnings from capital expenditures versus R & D outlays. *Review of Accounting Studies*, 7 (4), 355–382.

- Lennox, C. (2005). Audit quality and executive officers' affiliations with CPA firms. *Journal of Accounting & Economics*, 39(2), 201–231. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2003.12.002>
- Lev, B., Li, S., & Sougiannis, T. (2010). The usefulness of accounting estimates for predicting cash flows and earnings. *Review of Accounting Studies*, 15(4), 779–807. <https://doi.org/10.1007/s11142-009-9115-6>
- Li, C., Sun, L., & Ettredge, M. (2010). Financial executive qualifications, financial executive turnover, and adverse SOX 404 opinions. *Journal of Accounting & Economics*, 50(1), 93–110. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.01.002>
- Menon, K., & Williams, D. D. (2004). Former audit partners and abnormal accruals. *The Accounting Review*, 79(4), 1095–1118. <https://doi.org/10.2308/accr.2004.79.4.1095>
- Nelson, M. W., Elliott, J. A., & Tarpley, R. L. (2002). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. *The Accounting Review*, 77(Supplement), 175–202. <https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.s-1.175>
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2015c). *Identifying and assessing risks of material misstatement* (Auditing Standard No. 2110). Washington, DC: PCAOB.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2015e). *Consideration of fraud in a financial statement audit* (Auditing Standard No. 2401). Washington, DC: PCAOB.
- Rashidi, M. (2022). The pricing of information asymmetry based on environmental uncertainty and accounting conservatism. *International Journal of Productivity & Performance Management*, 71(8), 3121–3137. <https://doi.org/10.1108/IJPPM-05-2021-0297>
- Rezazadeh, J., & Mohammadi, A. (2019). Managerial ability, political connections and fraudulent financial reporting. *Accounting & Auditing Review*, 26(2), 217–238. (In Persian)
- Rashidi, M., Sheikhi, M., Namazi, N. R., & Sarlak, Z. (2023). Examining the representation of financial statements based on excess bonus and accounting qualification of managers. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 12(23), 145–171. (In Persian)
- Sajadi, S., Rashidi, M., Abobakri, A., & Shiralizade, M. (2015). The relationship between auditing fees and board compensation. *Empirical Research in Accounting*, 5(1), 39–58. (In Persian)

- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1989). Management entrenchment: The case of manager-specific investments. *Journal of Financial Economics*, 25(1), 123–139. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(89\)90053-5](https://doi.org/10.1016/0304-405X(89)90053-5)
- Swanquist, Q. T., & Whited, R. L. (2015). Do clients avoid “contaminated” offices? The economic consequences of low-quality audits. *The Accounting Review*, 90(6), 2537–2570. <https://doi.org/10.2308/accr-51007>
- Trompeter, G. M., Carpenter, T. D., Jones, K. L., & Riley, R. A. (2014). Insights for research and practice: What we learn about fraud from other disciplines. *Accounting Horizons*, 28(4), 769–804. <https://doi.org/10.2308/acch-50704>
- Vaez, S. A., Ramazanahmadi, M., & Rashidi, M. (2014). The effect of audit fees on audit quality in companies listed in stock exchange. *Financial Accounting Knowledge*, 1(1), 87–107. (In Persian)
- Wolfe, D. T., & Hermanson, D. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. *CPA Journal*, 74(12), 38–42.
- Wysocki, P. (2010). Corporate compensation policies and audit fees. *Journal of Accounting & Economics*, 49(1–2), 155–160. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.09.001>
- Yari, A., Mehrazeen, A., Yarifard, R., & Masihabadi, A. (2022). Explain the role of managerial ability and enterprise risk management on the auditor's opinion on the assumption of going concern. *Professional Auditing Research*, 2(7), 106–135. (In Persian)